



هرچه اوضاع خاور میانه بیشتر بسوی سرو سامان گرفتن می‌رود روزگار و آینده نظام جمهوری اسلامی تیره‌تر می‌شود. نظامی که نطفه آن در ظلمت و بحران جان گرفته و جز ایجاد آشوب و ترور و وحشت کاری از آن ساخته نیست با صلح و صفا و آرامش بیگانه است. نخست ایران را ویران کردند و سپس به افغانستان، عراق و لبنان پرداختند و تروریسم را در سراسر منطقه و حتی اروپا و آمریکا گسترش دادند. مخالفان ایرانی خود را گروه گروه در خیابانها و در زندانها به قتل رساندند و زنجیره قتلها و جنایاتشان به ماورای مرزهای ایران رسید. برای کشتن روشنفکران، نویسندگان و دگراندیشان آدمکشان حرفه‌ای را به میدان آوردند و بیش‌رمانه برای انجام این جنایتها میلیونها دلار جایزه تعیین کردند. پس از گذشت قریب سه دهه از این بلاي خانمانسوز و گسترش تروریسم حکومتی در سراسر منطقه و سایر نقاط جهان سرانجام مردم و حکومتهاي غربي از خواب غفلت بیدار شدند و برپیشانی «محرورپلیدی» مهر باطل زدند. امروز تروریسم و تروریستها در هر لباس و در هرکجا شناسایی شده‌اند و هرروز دایره عمل آنها تنگتر می‌شود.

آنچه طی چندماه اخیر روی داده است همانند واکنشهای زنجیره‌ای یکی پس از دیگری با نیروگرفتن از پیروزیهای پی‌درپی، منطقه خاور میانه را به صلح و آرامش، دموکراسی، توسعه و رفاه نزدیکتر می‌کند. از افغانستان تا فلسطین و از عراق تا لبنان همه جا نقشه‌های جمهوری اسلامی و عوامل آن یکی پس از دیگری نقش بر آب شده است. هرکجا مردم با موفقیت به پای صندوقهای رای رفته‌اند و توانسته‌اند به شیوه دموکراتیک به اهداف خود نزدیکتر شوند میخ دیگری بر تابوت نظام جمهوری اسلامی کوبیده‌اند.

پیروزی در برگذاری انتخابات در افغانستان در پی حصول توافق در مورد قانون اساسی نوین آن کشور، مشارکت وسیع زنان افغانی در تدوین قانون اساسی و سپس تضمین سی درصد کرسیهای مجلس نمایندگان برای زنان افغانی یکی از درخشانترین نشانه‌های طلوع عصر نوین آزادی و دموکراسی در منطقه بود. به شهادت تحلیلگران بین‌المللی، جمهوری اسلامی از هیچگونه کارشکنی و تحریک علیه آزادیخواهان دموکرات منش افغانی کوتاهی نکرد. اسماعیل خان حاکم هرات و قطب الدین حکمتیار سرکرده تروریستهای منطقه قندهار که سالها در تهران در یکی از خانه‌های مصادره شده شمال شهر از او پذیرایی می‌شد، نمونه‌هایی از عوامل خرابکار و آشوبگر جمهوری اسلامی در افغانستان هستند. با اینهمه مردم افغانستان با پشتیبانی و دعای خیر جامعه بین‌المللی سرانجام موفق شدند حکومت دلخواه خود را برمسند بنشانند و نسبت به پادشاه پیشین خود به بهترین وجهی ادای احترام و قدردانی کنند. یکی از صحنه‌های فراموش نشدنی و تاریخی روز انجام مراسم تحلیف حامد کارزای حضور زنان، بی‌حجاب در کنار پادشاه پیر در این مراسم بود. با آنکه هنوز استقرار کامل دموکراسی در افغانستان مراحل اولیه خود را طی می‌کند، تصور آنچه تا امروز به واقعیت پیوسته است پنج سال پیش از محالات بود.

تحریکات جمهوری اسلامی برای ممانعت از گسترش آزادی و دموکراسی در عراق بسیار وسیعتر و دامنه دارتر از فعالیتهای آن در افغانستان بود. اگر در افغانستان به علت حضور و رقابت پاکستان و عربستان سعودی جمهوری اسلامی احساس محدودیت می‌کرد و فعالیتهای خود را بیشتر در ناحیه هرات متمرکز کرده بود، در عراق با برخورداری از پشتیبانی حکومت سوریه، برای ایجاد اغتشاش و نا آرامی، آمادگی کامل داشت.

اکثر مفسران غربي قادر به درک پیچیدگی تمایلات و سیاستهای جمهوری اسلامی در عراق نیستند. از نظر آنها مسائل بیش از حد ساده به نظر می‌رسد: اکثریت رای دهندگان عراقی شیعه هستند. بنابر این حکومت بعدي عراق در دست پیروان آیت الله‌های شیعه خواهد بود و این امر موجب خواهد شد جمهوری اسلامی در آینده عراق برنده اصلی باشد. این چنین برخورد سطحی یک نمونه کوچک از نارسایی گزارشگران غربي از درک واقعیتهای منطقه است. در درجه نخست جمهوری اسلامی دارای آن چنان نفوذی در میان روحانیون شیعه عراق نیست و به جرأت می‌توان گفت که اعمال تحریک آمیز عوامل تهران بویژه تقویت لشکر بدر و مقتدا صدر موجب ناخشنودی بسیاری از عراقیها شده است. از سوی دیگر، آنچه جمهوری اسلامی را نگران کرده گسترش فکر دموکراسی در منطقه است. زمانی که طالبان در افغانستان حکومت می‌کردند و صدامیان بر جان و مال مردم عراق مسلط بودند، آخوندهای حاکم در تهران با خیمه شب بازیهای انتخاباتی خود می‌توانستند به دنیا و انمود کنند که در مقام مقایسه با آن دو رژیم، اوضاع ایران کمتر بد است. اروپائیها هم متأسفانه کاملاً برای قبول این گونه لاطانات آمادگی فرهنگی داشتند و می‌خواستند به خودشان بقبولانند که در شورزار خاورمیانه نهال دموکراسی نمی‌توان کاشت.

انتخابات اخیر عراق تنها یکی از مظاهر تغییرات عمیق در جو منطقه است. امروز حتی در عربستان سعودی هم فشار برای تغییر آقدر زیاد است که حکومت ناچار شده است به نوعی محدود و نمایشی از «انتخابات» تن در دهد. از سوی دیگر باز هم برای نخستین بار در مصر به مخالفان اجازه انجام تظاهرات داده شده است و به احتمال زیاد در انتخابات ریاست جمهوری آینده آن کشور شاهد صحنه‌های رقابت و مبارزات واقعی خواهیم بود.

آیا می‌توان تصور کرد که در چنین شرایطی جمهوری اسلامی خواهد توانست همچنان پا برجا باقی بماند؟ پاسخ این سوال برای سران حکومت در تهران کاملاً روشن است و دلیل اصلی این همه اخلاخ در عراق، افغانستان، لبنان و روند صلح میان اعراب و اسرائیل دقیقاً با پاسخ این سوال مرتبط است. مسأله پیروزی یا شکست آمریکا نیست، برای جمهوری اسلامی اصل مهم تداوم تنش در منطقه و عقیم ماندن کوشش‌های مردمی برای استقرار دموکراسی است. اگر آنها در امر صلح میان اعراب و اسرائیل اخلاخ می‌کنند و یا برای یاسر عرفات کشتی‌های پر از اسلحه و مهمات می‌فرستادند، دلیل آن اعتقاد به اصالت مبارزات مردم فلسطین نیست. اگر اندکی دلشان به حال مردم آن دیار می‌سوخت این چنین به آشوبگران و تروریست‌ها کمک نمی‌کردند. برای جمهوری اسلامی صلح میان اعراب و اسرائیل مترادف با مرگ رژیم آخوندیست. آنها بیجهت دایه دلسوزتر از مادر نشده‌اند، آنها می‌دانند اگر این زخم دیرینه در منطقه التیام یابد دیگر جایی برای حکومت‌های فاسد و دیکتاتوری در منطقه نخواهد بود. امروز درحالی که همه جهانیان چشم امید به مذاکرات میان ابوماذن و آریل شارون دوخته‌اند، جمهوری اسلامی بیش از هر کشور دیگری در منطقه مشغول خرابکاری و تحریک عناصر افراطی و تروریست علیه دولت خودمختار فلسطین است.

تا زمانی که اروپایی‌ها به خاطر منافع سرشار اقتصادی از این نظام و این حکومت پشتیبانی می‌کنند، هرگونه امیدی به بهبود اوضاع منطقه بهبود یافته است. جمهوری اسلامی نمی‌خواهد و نمی‌تواند شاهد گسترش صلح و دموکراسی در منطقه باشد زیرا موجودیت نظام در تضاد آشکار با این اهداف است. این پیامی است که باید هرچه شفافتر و رساتر به اطلاع افکار عمومی غرب به ویژه مردم اروپا برسد. مسأله ملت ایران با این نظام، مسأله سلاح‌های اتمی نیست، مسأله اصلی مشروعیت نظام است. انرژی هسته‌ای اگر زیرکنترل یک حکومت مردمی و مسنول باشد جایی برای نگرانی باقی نمی‌گذارد. این همه نگرانی و هیاهو به علت ماهیت ماجراجوی نظام جمهوری اسلامیست. باید باکمال صراحت و شفافیت به جهانیان فهماند که جز تغییر رژیم در ایران چاره دیگری برای حل مسائل منطقه وجود ندارد. تازمانی که این نظام غیرمشروع با تسلط بر ابزار سرکوبی و خشونت موجودیت خودش را بر ملت ایران تحمیل می‌کند، همواره باید جهانیان در انتظار ماجراجویی منطقه‌ای و جهانی باشند. خشونت درون‌مرزی و ماجراجویی در صحنه خارجی دو روی سکه نظام جمهوری اسلامی است.

[Link to the original article](#)